



۲۹ آبان سالروز تصویب
قانون کار را گرامی
می داریم و بر اجرای
دقیق آن اصرار داریم.

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری



■ سال پانزدهم
■ شماره ۱۷۴
■ آبان ۱۴۰۴

سال پانزدهم | شماره ۱۷۴ | آبان ۱۴۰۴

نشریه داخلی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

حسن صادقی: با حضور به موقع خود در عرصه های مختلف نشان دادید که اثر گذارید

صفحه ۹+

صفحه ۵

سیستم درمان مستقیم
سازمان تامین اجتماعی حاصل
زحمات شبانه روزی دکتر
مشتاکی و دکتر طریقت

صفحه ۶

در برابر حماقت ما بی دفاعیم
زندگی پر است از آدم هایی که میان
جمع بی صدا فرو می ریزند

صفحه ۷

بیمه های تکمیلی بازنشستگی
ظلم مکمل به اقتضای
فرو دست!!!

صفحه ۲

ضرورت بیمه اجباری رانندگان
تاکسی های اینترنتی!
تامین اجتماعی به دنبال منافع
خودش نیست!

صفحه ۳

۲۹ آبان؛ سالروز تصویب
قانون کار و فرصتی برای طرح
مطالبات جامعه کارگری

صفحه ۴

نقش آفرینی ماهنامه اتحادیه
پیشکسوتان جامعه کارگری
در جهت تحقق اهداف اتحادیه



آمده ایم تا مطالبات خود را در چارچوب قانون پیگیری کنیم

سید مجتبی قریبشیان

به قلم سردبیر

نگاه اول



مشتاکی خدمت:

جامعه ما گوهری گرانقدر و طیب درمانگر دردهای نظام درمانی خود را از دست داد

است که فرمود: «روز خوش در زندگی من روزی است که بتوانم به شما کارگران خدمت کنم من به این خدمت عشق می ورزم انشاء الله دوستی من و شما همیشه پایدار باشد.» آقای دکتر

مشتاکی عزیز سفر کرده پیوند، دوستی شما با جامعه کارگری و بازنشستگان ناگسستنی است، این پیوند با اثرات جاویدی که در نظام درمانی کشور به ویژه اجرای قانون الزام رایگان سازمان تامین اجتماعی از خود بجا گذاشته اید روز به روز محکمتر و استوارتر می شود. اجرای قانون الزام درمان رایگان در کشور و بهره مندی جماعت مظلوم و محروم کارگرو بازنشسته از اجرای این قانون، مدیون و، و امدادار تلاشهای شبانه روزی شما و همکاران گرانقدر شما مثل دکتر طریقت می باشد. نهال عمل صالحی را که کاشته اید روز به روز تنومند تر و اثر بخش تر میشود و جماعت بیشتری از آن بهره مند میشود. برآستی چه باقیات الصالحاتی از این بهتر و موثرتر می توان یافت؟!

دکتر مشتاکی همیشه دغدغه اجرای قانون الزام درمان رایگان سازمان تامین اجتماعی و درمان جامعه کارگری را داشت، او با تمام توان و با همه وجود تلاش کرد تا این قانون مویه مو و بطور دقیق اجرا شود، چراکه او بود که از اثرات عمیق اجرای این قانون بر

دکتر منوچهر مشتاکی طبییی حاذق و متخصص و پرتلاش و وسیلم النفس و مهربان و یک انسان کامل و مشتاق خدمت، مشتاقان خود را تنها گذاشت خلاء وجود او خیلی سخت پر میشود، نبود و کمبود او به وضوح احساس میشود و جبران این کمبود کاری بسیار دشوار به نظر می رسد. این فقید سعید از یک خانواده ثروتمند بود که برای کسب علم و دانش به کشور آلمان رفت و دوری از خانواده و رنج سفر و سختی و دلنگینی در غربت را به جان خرید و به علم اندوزی و کسب مهارت پرداخت و در رشته درمان بیماریهای ریوی به بالاترین درجات علمی نائل آمد. علی رغم اینکه شرایط برای ماندن او در دیار بیگانه (جایی که بهشت رؤیایی خیلی هاست) فراهم بود، او پس از کسب علم و دانش و تخصص به کشورش بازگشت تا به ملت خویش خدمت کند و به درمان آلام مردم و نظام درمانی کشورش بپردازد. با وجود اینکه او از یک خانواده متمول و ثروتمند بود اما انسانی بسیار متواضع و فروتن بود و هیچ وقت خودش را تافته جدا بافته از دیگران ندید و کاملاً مردمی و در کنار مردم و مرهمی بر دردهای مردم و دردهای پیچیده نظام درمانی کشور بود. هنوز هم صدای گرم و رسای او در گوش جامعه بویژه کارگران و بازنشستگان طنین انداز

حسن صادقی

سخن مدیر مسئول

هدف ما توسعه متوازن خانه کارگر در سراسر کشور است

سازمان تأمین اجتماعی ماهانه ۲۵ هزار میلیارد تومان کسری بودجه دارد، در حال حاضر این سازمان با وجود ثروت فراوان، با کمبود نقدینگی مواجه است، کار ما درون تشکیلاتی نبوده و فعالیت های ما در قالب کار صنفی انجام می شود.

در درون تشکیلات، موضوعات و اتفاقات متعددی وجود دارد که ناشی از نوع کارکرد ماست و همواره پس از بررسی دقیق، برای هر یک راه حل مناسب جست و جو می کنیم.

در حوزه برون تشکیلاتی نیز مباحث مربوط به کارگران، بازنشستگان و مسائل مرتبط با آنان را دنبال کرده و راهنمایی ها و حمایت های لازم را ارائه می دهیم.

هدف ما توسعه متوازن خانه کارگر در سراسر کشور است و از سیاست تمرکززدایی حمایت می کنیم. به دلیل سیاست های انقباضی اقتصادی، امکان فعالیت گسترده در شهرهای مختلف وجود نداشته و به همین دلیل، کشور به ده منطقه تقسیم شده است.

لازم است دفاتر و شعب خانه کارگر در مناطق مختلف کشور با قدرت بیشتری فعالیت کنند. همچنین دبیران اجرایی باید با نیازسنجی دقیق شهرهای استان، نسبت به معرفی دفاتر یا رابط های شهرستانی اقدام کنند.

اگر خانه کارگر قصد دارد به عنوان یک شکل صنفی واقعی فعالیت کند، باید در مکانیسم های درآمدی خود نیز اصلاحات ایجاد کند. توسعه متوازن در دفاتر سراسر کشور ضرورتی اجتناب ناپذیر است تا بتوانیم از وضعیت عقب ماندگی فعلی خارج شویم.

وضعیت سازمان تأمین اجتماعی نگران کننده است، در حال حاضر این سازمان علی رغم اینکه ثروتمند است، با کمبود نقدینگی زیادی مواجه است و ماهانه حدود ۲۵ همت کسری دارد. اگر اصلاحات لازم در سیستم تأمین اجتماعی صورت نگیرد، در آینده با شرایط بسیار سخت تر و بحرانی تری مواجه خواهیم شد و باید پیش از رسیدن به آن مرحله، راهکارهای مناسب ارائه دهیم.

«انالله و انالیه راجعون»

خدا حافظ ای طیب و مشتاق خدمت به جامعه و کارگران

با نهایت تأثر و اندوه، درگذشت ناهنگام شادروان دکتر منوچهر مشتاکی فرزند شریف و نجیب دیار اراک، پزشک فرهیخته، متخصص برجسته ریه، مدیرکل خدوم، دلسوز و پیشین درمان سازمان تأمین اجتماعی، رئیس فقید و اسبق بیمارستان های استان مرکزی، شهید دکتر لولاسانی، عضو سابق هیئت مدیره بیمارستان شهید صدر را به خانواده گران قدر ایشان، جامعه پزشکی کشور، بیمه شدگان، بازنشستگان و همه همکاران ارجمند حوزه درمان تسلیت و تعزیت عرض می نمایم.

برای آن فقید سعید از درگاه خداوند رحمت و واسعه و برای بازماندگان و خانواده بزرگ بیمه شدگان، بازنشستگان و همکارانشان صبر و شکیبایی مسئلت می شود.

روحش شاد، یادش جاودان و راهش پر رهرو باد

حسن صادقی - معاون دبیر کل خانه کارگر و رئیس اتحادیه پیشکسوتان
و سردبیر و اعضای هیئت تحریریه نشریه اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری



حسن صادقی معاون دبیرکل خانه کارگر و رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری :

ضرورت بیمه اجباری رانندگان تاکسی‌های اینترنتی!

تامین اجتماعی به دنبال منافع خودش نیست!

می‌خواهیم. آنان ابتدا در سازمان تامین اجتماعی و کانون‌های مختلف اظهار کردند که می‌خواهند بیمه خویش فرما داشته باشند. ما نیز تبعات برخورداری از بیمه خویش فرما را به آن‌ها متذکر شدیم و تاکید کردیم که این نوع بیمه تنها به درد افراد دارای مشاغل آزاد و غیرمزدبگیر می‌خورد. ما نکات مثبت بیمه جمعی و اجباری را به آن‌ها متذکر شدیم. آنان در اثر این مشاوره‌ها به سمت تشکیل بای و مطالبه بیمه اجباری رفتند. این فعال کارگری ادامه داد: جامعه باید براساس نیازهای آینده و آتی این گروه بزرگ میلیونی به موضوع بیمه رانندگان و باربران و خدمه سکویهای اینترنتی ورود کند. یعنی باید نظام اجرایی کشور با آینده نگری، آینده آن‌ها را در طرح بیمه اجباری و جمعی تضمین کند. اهمیت راهبردی و امنیتی این موضوع به حلی است که ما از نمایندگان تصمیم‌گیر مجلس می‌خواهیم که اسیر هیچ نوع تبلیغات سوء گروه‌های حامی پلتفرم‌ها و نرم‌افزارها نشوند و بنابر مصلحت عامه مردم و کشور در این زمینه تصمیم بگیرند

که بیمه آن‌ها اجباری نبوده و در قانون نتوانستیم این بیمه را اجباری کنیم. برای آنکه طرح بیمه رانندگان تاکسی‌های اینترنتی موفق شود، باید این اشتباه را تکرار نکنیم؛ باید بیمه آن‌ها را اجباری کنیم. وی افزود: بسیاری از افرادی که دارای مشاغل فاقد ارتباط مستقیم با کارفرما یا بهره‌بردار هستند، در زمان جوانی به ضرورت بیمه شدن توجه ندارند و تازه در سنین میانسالی یادشان می‌افتد که موضوع بیمه درمانی و بازنشستگی چقدر اهمیت دارد. آنان سرخوش از درآمد اولیه دوران جوانی، به آینده خود فکر نمی‌کنند. به محض پیدا شدن اولین نشانه‌های بیماری ناشی از فرسودگی جسمی مرتبط یا غیرمرتبط به کار، تازه به یاد حقوقی مثل بیمه درمانی، بازنشستگی و ازکارافتادگی می‌افتانند. آن هم در زمانی که بسیار برای آن‌ها دیر است! صادقی اضافه کرد: امروزه رانندگان تاکسی‌های اینترنتی و باربران و موتورسیکلت‌سواران و... افرادی هستند که عمده آن‌ها فاقد هرگونه پوشش بیمه‌ای هستند. آنان سال‌های متوالی به ما در خانه کارگر و تشکل‌های کارگری مراجعه کردند که ما بیمه

هفته‌های گذشته طرح بیمه رانندگان تاکسی‌های اینترنتی به مجلس رفت، اما به دلیل وجود برخی بندها در طرح سازمان تامین اجتماعی که محل سوء استفاده تبلیغاتی سکویهای اینترنتی علیه این طرح قرار گرفت، این پرونده در کشورهای نمایندگان بررسی‌کننده باقی ماند. هرچند در پاسخ به ادعاهای مطرح شده درباره قطع بیمه شاغلان پاره وقت سکوها و قطع مستمری بازنشستگان راننده، هم تشکل صنفی رانندگان و هم سازمان تامین اجتماعی بیانیه‌ها و مصاحبه‌های روشنگری منتشر کردند، اما هنوز پاسخ‌ها به ادعاهای مطرح شده ادامه دارد؛ در هر حال، با تضمینی که معاون حقوقی سازمان درباره قطع نشدن خدمات بیمه‌ای و مستمری و درمانی در هفته گذشته داد، بعید است بحث جدی دیگری باقی مانده باشد اما آیا بیمه اجباری رانندگان یک ضرورت است؟! صادقی افزود: ما مشکل مشابهی در حوزه کارگران ساختمانی و کارگران صنوف خاص و رانندگان برون شهری و درون شهری نیز داشتیم. علت اینکه این مشاغل مذکور کمتر مورد پوشش بیمه‌ای قرار گرفتند این بود

جای خالی تأسیس دیوان عدالت اجتماعی :

این نهادها معمولاً از نظر ساختاری و مالی مستقل هستند تا بتوانند بدون فشارهای سیاسی یا ملاحظات دولتی، شکایات و گزارش‌های مربوط به تبعیض، نابرابری یا نقض حقوق اجتماعی را بررسی کنند. مأموریت اصلی آن‌ها پایش رفتار نهادهای عمومی و خصوصی واطمینان ازرعایت اصول برابری درزمینه‌هایی چون جنسیت، نژاد، مذهب، سن، ناتوانی جسمی، گرایش سیاسی یا طبقاتی است.

این نهادها با بررسی شکایات مردمی، تحقیق مستقل، ارائه گزارش‌های عمومی، پیشنهاد اصلاح قوانین و آموزش عمومی، تلاش می‌کنند تبعیض‌های ساختاری را شناسایی و برطرف کنند.

هدف نهایی چنین سازوکارهایی، ایجاد اعتماد عمومی، افزایش شفافیت و تضمین عدالت در فرصت‌ها و برخوردها میان تمام اقشار جامعه است؛ به گونه‌ای که هیچ شهروندی صرف‌نظر ازجنسیت، قومیت، عقیده یاوضعیت اقتصادی، احساس محرومیت از حقوق اساسی خود نداشته باشد.

ایران نیز با تأسیس چنین نهادی می‌تواند گامی بزرگ به سوی اجرای عملی اصول مرتبط با عدالت اجتماعی مندرج در قانون اساسی بردارد. تأسیس دیوان عدالت اجتماعی نه یک خواسته سیاسی، بلکه نیاز حیاتی جامعه‌ای است که عدالت را جوهره انقلاب خود می‌داند.

این دیوان می‌تواند شکاف میان مردم و نهادهای حاکمیتی را کاهش دهد و به جای آن‌که عدالت شعاری تکراری در سخنرانی‌ها باشد، به واقعیتی ملموس در زندگی مردم تبدیل شود.

ایران به نهادی نیاز دارد که در برابر هر نوع تبعیض ناروا و من غیر حق، فارغ از جناح و قدرت، بایستد و تنها به وجدان اجتماعی ملت پاسخ دهد. این نهاد، همان دیوان عدالت اجتماعی است؛ صدای مردم در برابر بی‌عدالتی ساختاری.

امکان رسیدگی و دادرسی داشته باشد چرا که همین نابرابری‌های پیشینی بعداً منجر به بروز و تعمیق نابرابری‌های پسینی می‌گردد.

یا در استان خوزستان، اگر خانواده‌ای درکنارچاه‌های نفت زندگی می‌کند اما از ابتدایی‌ترین امکانات رفاهی، بهداشت و اشتغال بی‌بهره است، این تضاد نشانگر نقض عدالت اجتماعی است و باید مورد بررسی نهادی بی‌طرف قرار گیرد.

اگر دکردستان یا آذربایجان غربی، جوانان تحصیل‌کرده فرصت برابر شغلی ندارند و استخدام‌ها تحت تأثیر روابط یا گرایش‌های قومی و سیاسی انجام می‌شود، نهادی مستقل باید بتواند این تبعیض را پیگیری کند.

اگر درشهرهای شمالی، جنگل‌ها وسواحل عمومی به تصرف گروه‌های خاص درمی‌آیند و دسترسی مردم به منابع طبیعی محدود می‌شود، شهروندان باید بتوانند از طریق دیوان عدالت اجتماعی شکایت کنند و خواستار بازگرداندن حقوق عمومی شوند.

اگر درمناطق حاشیه‌نشین مشهد، کرمان یا اهواز، کودکان به جای مدرسه به کارگری مشغول‌اند، در حالی که در محلات مرفه همان شهر، آموزش و امکانات فراوان در دسترس است، این نابرابری آموزشی و اقتصادی باید در چارچوب عدالت اجتماعی مورد رسیدگی قرار گیرد.

اگر در روستاهای فارس یا خراسان جنوبی زنان هنوز ازحق مالکیت یا مشارکت برابر درتصمیم‌گیری‌های اجتماعی محرومند و صدها اگر دیگر...

در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و حتی در حال توسعه، نهادهایی با عنوان‌هایی مانند مدافع عدالت اجتماعی یا کمیسیون برابری ایجاد شده‌اند تا به شکلی مستقل از دولت و احزاب سیاسی، بر اجرای اصول عدالت اجتماعی، رفع تبعیض و حفظ حقوق برابر شهروندان نظارت کنند.

دکترعلی حدیری مشاور ارشد مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی و کارشناس رفاه و تامین

تأسیس دیوان عدالت اجتماعی نه یک خواسته سیاسی، بلکه نیاز حیاتی جامعه‌ای است که عدالت را جوهره انقلاب خود می‌داند.

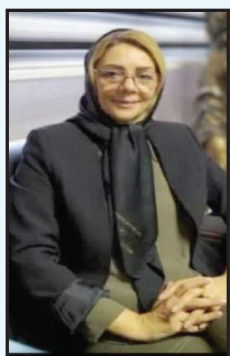
در نظام حقوقی ایران، دیوان عدالت اداری سال‌هاست که مکانی برای شکایات مردم از تصمیمات اداری و آیین‌نامه‌های دولتی است. با این حال، جامعه ما هنوز از نبود نهادی رنج می‌برد که بتواند به تبعیض‌های اجتماعی، نابرابری در فرصت‌ها و نقض حقوق شهروندی رسیدگی کند.

اصول ۳، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی حقوق حقه مردم و مأموریتها، وظایف و تکالیف دولت در قبال مردم را در حوزه رفاه عادلانه و عمومی مشخص نموده است همین اصول درصددسیاستهای کلی تامین اجتماعی ابلاغی ۱۴۰۱/۱/۲۱ نیز اشاره گردیده است، از همین رو، تشکیل نهادی نو با عنوان دیوان عدالت اجتماعی ضرورتی تاریخی و ملی است؛ نهادی که صدای خاموش شده اقشار محروم و مناطق کم‌برخوردار باشد.

در حالی که دیوان عدالت اداری به امور اداری و شکایات رسمی مردم از دستگاه‌ها می‌پردازد، دیوان عدالت اجتماعی باید به موضوعات بنیادی‌تر و انسانی‌تر بپردازد؛ عدالت در برخورداری از تامین اجتماعی بیمه‌های اجتماعی پایه، آموزش، بهداشت، مسکن، محیط زیست، اشتغال و دسترسی برابر به امکانات عمومی دسترسی عادلانه به فرصتهای اقتصادی و اجتماعی و بهره‌مندی عادلانه از منابع عمومی.

اگر شهروندی در سیستان و بلوچستان از کمبود مدرسه، پزشک یا آب آشامیدنی سالم رنج می‌برد، در حالی که شهروند دیگری در تهران از خدمات کامل بهره‌مند است، این نابرابری نباید صرفاً به عنوان یک واقعیت تلخ پذیرفته شود، بلکه باید قابل پیگیری و شکایت قانونی باشد. به عبارت دیگر باید نابرابری‌های پیشینی قابل رصد و پیگیری شده و

دیوان عدالت اجتماعی، حلقه گمشده قانون اساسی میان دولت، مجلس و قوه قضائیه



اساس عدالت اجتماعی یا انصاف. در حالی که عدالت اجتماعی، ماهیتی پویا و انسانی دارد و باید بتواند در مواردی که قانون نارسا یا تبعیض‌آمیز است، جبران‌گر واقعیت‌های ناعادلانه باشد.

این خلأ در نظام فعلی محسوس است. ۴. ضعف در اجرای آراء و ضمانت‌های

اجرایی اگرچه آرای دیوان عدالت اداری لازم‌الاجراست، اما در عمل بسیاری از دستگاه‌ها اجرای آن‌ها را به تعویق می‌اندازند یا به صورت ناقص اجرا می‌کنند.

عدم وجود سازوکار قوی نظارتی یا ضمانت اجرای مؤثر، موجب می‌شود احکام صادره در مرحله کاغذ باقی بمانند. عدالتی که اجرا نشود، اثر اجتماعی خود را از دست می‌دهد.

شمول صلاحیت دیوان فعلی خارج‌اند. به بیان دیگر، دیوان عدالت اداری می‌تواند "تصمیم ناعادلانه" را لغو کند، اما توان پرداختن به "ساختار ناعادلانه" را ندارد.

۲. تراکم سنگین پرونده‌ها و اطلاع دادرسی یکی از جدی‌ترین چالش‌های فعلی، حجم بسیار بالای پرونده‌هاست؛ به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند بازنشستگی، مستمری، حقوق ایثارگران و امور کارگری.

اطاله دادرسی باعث شده که بسیاری از شکات، خصوصاً بازنشستگان و بیمه‌شدگان، پیش از اجرای حکم یا در میانه فرایند رسیدگی فوت کنند. عدالتی که دیر برسد، عملاً عدالت نیست.

تأسیس نهادی مکمل که بتواند رسیدگی‌های جمعی، پیشگیرانه و سیاستی انجام دهد، می‌تواند از این تراکم بکاهد.

۳. نبود رویکرد عدالت‌محور در صدور آراء در بسیاری از آرای صادره، نگاه شکلی و آیینی بر نگاه ماهوی و عدالت‌محور غلبه دارد.

قاضی ناگزیر است صرفاً براساس قانون خشک تصمیم بگیرد، نه بر

معصومه مهناز جهان‌شاهی حقوقدان و همکار بازنشسته سازمان تأمین اجتماعی و فردی آشنا با ساختار دعاوی در دیوان عدالت اداری : «دیوان عدالت اجتماعی» گامی مهم در مسیر بازاندیشی عدالت در نظام حقوقی کشور .

این مقاله، با جسارت به خلأ میان عدالت اداری و عدالت اجتماعی اشاره کرده و به درستی بر ضرورت ایجاد نهادی مستقل برای تحقق عدالت اجتماعی تأکید دارد.

در این نوشتار، بر پایه تجربه میدانی و تحلیل حقوقی، به مهم‌ترین چالش‌هایی می‌پردازم که در دیوان عدالت اداری وجود دارد و همین چالش‌ها، بنیای منطقی شکل‌گیری ایده «دیوان عدالت اجتماعی» است

۱. محدودیت صلاحیت‌ها؛ عدالت اداری نه عدالت اجتماعی دیوان عدالت اداری بر اساس اصل ۱۷۳ قانون اساسی، تنها مرجع رسیدگی به شکایات مردم از تصمیمات و اقدامات دستگاه‌های اداری است. این تعریف، عدالت را در محدوده «تصمیمات اداری» محصور کرده است، در حالی که بخش بزرگی از بی‌عدالتی‌ها در سیاست‌گذاری، بودجه، توزیع فرصت‌ها و تبعیض‌های ساختاری شکل می‌گیرند — مسائلی که از

نامه نصرالله دریاییگی نایب رئیس کانون عالی بازنشستگان به محمد رضا عارف معاون اول رئیس جمهور:



باعث گردید که هر روز سفره این ۲ قشر نجیب و شریف که امام امت (ره) و مقام معظم رهبری همواره سفارش اکید در حق شان داشته اند. کوچک و کوچکتر و کانون خانوادگی آنان متأثر از رنج و آلام ناشی از عدم کفایت درآمدها در مقابل هزینه‌ها، دچار آشفتگی و بحران گردیده است. و اگر بخواهیم عامل یا عوامل اصلی این وضع را برای شما تعریف نماییم، مهمترین آن، همان تصمیمات نادرست و غلط دولت‌ها و مجالس شورای اسلامی در ادوار مختلف در راس این وضع قرار دارد. از جمله دست درازی دولت‌ها بر منابع و دارایی‌های مادی و معنوی آنان، مانند به تعطیلی کشاندن کارخانجات در طرح به اصطلاح خصوصی‌سازی که عایدی آن جز خصوصی‌خوری و تعطیلی کارخانجات مراکز دولتی نبود و بغیر آن عدم پرداخت شدن بدهی سنگین دولت به صندوق

ظرفیت تاب آوری و تحمل در قبال فشارهای وارده همواره حاکم بوده لذا کارگزاران و مدیران اداره جامعه باید مطلع به اوضاع ونحوه گذران امور اقشار جامعه باشند تا اتخاذ تصمیم برای آنان از فهم و درک صحیح و پس از آن با تدبیری مناسب برخوردار باشند. به همین دلیل است که در جوامع پیشرفته کارگزاران با تقویت رابطه خود با تشکلات صنفی و اجتماعی بعنوان حلقه‌های واسط بین مردم ودولت در تصمیمات خود با آگاهی و اطلاع و درک درست و منطقی از وضع اجتماعی و اقتصادی مردم، برای آنان تدبیر می‌فرمایند.

با این مقدمه اینجانب به نیابت از یک تشکل قوی و مردمی و با سابقه ایی به عمر انقلاب اسلامی یعنی خانه کارگر که هر روز افتخار همنشینی و شنونده درد دل جمعیتی بزرگ از کارگران و بازنشستگان که اکنون در تله گرگ صفت تورم اقتصادی گرفتارند، گوشه ایی و قطره ایی که از آنچه از این هم نشینی می‌بینیم و می‌شنویم را برایتان می‌نویسم، امید است برای امروز و آخرت من و شما مفید فایده و موجب آغاه و فایده ایی برای جامعه هدفم یعنی دوقشر شریف و نجیب کارگر و بازنشسته باشد. ان شاء...

۱- تصمیم گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های غلط گذشته در حق جامعه کارگری و بازنشستگی

«برادر ارزشمند جناب آقای دکتر عارف معاون اول محترم ریاست جمهوری اسلامی ایران درود بر شما و همه آنانی که در عین دلسوزی برای مردم نجیب و عزتمند ایران بزرگ، با بینش صحیح و با مدیریتی آگاهانه دور از ریا و جهل ونادانی به بهبود امور مردم مشغولند. بدوا «لازم است تا اظهار تأسف و تعذر خود را در تقریر این عریضه که شاید به مذاق بعضی از مدیران و کارگزاران ناخوشایند آید، به محضر شما ابراز نموده در این بین عذر ما در بیان صریح مطالبی که ذیلاً» معروض خواهد افتاد، که چیزی جز جبر تحمیل شده ناشی از وضع ناگوار معیشت، درمان، امنیت شغلی کارگران و بازنشستگان نبوده و نیست پذیرا باشید، لذا با شرح صوری که در شما سراغ داریم، امیدواریم پس از قرائت این نامه شاهد بهبود امور و رفع معضلات معروض افتاده ذیل باشیم.

جناب دکتر عارف: بلحاظ نسبی بودن امور بجز ذات پاک حضرت حق، هر شی و موجودی در کره حیات از ظرفیتی محدود برخوردار است. که تاب آوری آن در مقابل سختی‌ها و فشارها از حد و اندازه ایی محدود برخوردار بوده. این وضع در جوامع بشری رابطه مستقیمی با فرهنگ، اندیشه ملت‌ها داشته با این وجود آن نسبت محدود

۲۹ آبان؛ سالروز تصویب قانون کار و فرصتی برای طرح مطالبات جامعه کارگری

«سالروز تصویب قانون کار، تنها یک مناسبت تقویمی نیست، بلکه فرصتی است برای بازنگری در سیاست‌های مزدی و رفاهی، تا بتوان گام‌های عملی در جهت بهبود وضعیت معیشت کارگران و بازنشستگان برداشت.»



در محیط‌های کار می‌شود، بلکه به مرور زمان آسیب‌های اجتماعی گسترده‌ای به همراه خواهد داشت.»

ترکاشوند با بیان اینکه اجرای کامل و دقیق قانون کار یکی از مطالبات اصلی جامعه کارگری است، خاطر نشان کرد:

«قانون کار برای حمایت از نیروی کار و ایجاد تعادل میان کارگر و کارفرما تدوین شده است. از این رو، مسئولان باید با نظارت مؤثرتر، زمینه اجرای کامل مواد حمایتی این قانون را در واحدهای تولیدی و خدماتی فراهم کنند.»

این فعال کارگری همچنین با تأکید بر ضرورت تقویت خدمات رفاهی و اجتماعی کارگران گفت:

«دسترسی به خدمات درمانی مناسب، مسکن کارگری، بیمه تکمیلی و امنیت شغلی از جمله مطالبات دیرینه جامعه کارگری است. انتظار می‌رود دولت و مجلس در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، جایگاه کارگران را به عنوان اصلی‌ترین سرمایه انسانی کشور در نظر بگیرند.»

در پایان، ترکاشوند یادآور شد:

ترکاشوند دبیر اجرایی خانه کارگر شهری به گزارش خبرنگار کار و کارگر، به مناسبت فرا رسیدن ۲۹ آبان، سالروز تصویب قانون کار جمهوری اسلامی ایران، فعالان کارگری بار دیگر بر ضرورت توجه مسئولان به مشکلات معیشتی کارگران شاغل و بازنشستگان تأکید کردند.

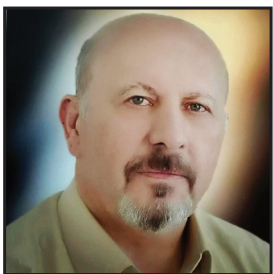
در همین رابطه، ترکاشوند، فعال کارگری، با اشاره به شرایط اقتصادی کنونی اظهار داشت:

«افزایش حقوق‌ها در سال‌های اخیر پاسخگوی هزینه‌های واقعی زندگی کارگران نبوده است. در شرایطی که تورم روزافزون بر قیمت کالاهای اساسی، مسکن و خدمات اثر مستقیم گذاشته، میزان دستمزد کنونی حتی هزینه‌های یک خانواده دو نفره را نیز پوشش نمی‌دهد، چه برسد به خانواده‌های چهار نفره.»

وی افزود:

«کارگران ستون فقرات تولید ملی و از اصلی‌ترین عوامل پویایی اقتصاد کشور هستند. بی‌توجهی به خواسته‌های آنان نه تنها موجب کاهش بهره‌وری

نحوه پیدایش و تحلیل چگونگی تشکیل تشکلات کارگری



عراق، شوراهای مستقل و احزاب کارگری (مانند فداییان خلق، حزب توده و...) سرکوب شدند. تنها تشکلات باقی‌مانده، شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر بودند.

۴. نهادهای مهم

خانه کارگر: سازمانی نزدیک به جناح خط امام و حزب جمهوری اسلامی؛ به‌مرور تبدیل به اصلی‌ترین نهاد رسمی کارگری کشور شد.

وزارت کار و امور اجتماعی: وظیفه‌ی نظارت و سازماندهی روابط کار را بر عهده گرفت.

۵. جمع‌بندی

تشکلات کارگری اوایل انقلاب در ابتدا بسیار متنوع، پرشور و خودجوش بودند و نمادی از خواست کارگران برای کنترل تولید و عدالت اجتماعی محسوب می‌شدند.

اما با گذشت زمان، نظام جمهوری اسلامی ساختارهای رسمی و ایدئولوژیک‌تری جایگزین آن‌ها کرد تا فعالیت کارگری را در چهارچوب خاصی سامان دهند.

هدف رسمی: دفاع از حقوق کارگران در چارچوب اسلام و نظام جمهوری اسلامی.

نقش: جایگزینی شوراهای مستقل و کنترل فعالیت کارگری توسط دولت.

۲. شوراهای کارگری (شوراهای کارخانه): خودجوش و اغلب با گرایش‌های چپ‌گرایانه، سوسیالیستی یا مارکسیستی.

در بسیاری از کارخانه‌ها، از جمله در صنعت نفت، ایران‌خودرو، ذوب‌آهن اصفهان و کفش ملی فعال بودند.

مطالبه‌ی اصلی: کنترل کارگری بر تولید و اداره‌ی کارخانه‌ها توسط خود کارگران.

از سوی حکومت به‌تدریج محدود و منحل شدند.

۳. سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری قدیمی:

برخی از آن‌ها پیش از انقلاب وجود داشتند (مثل سندیکای کارگران نفت، برق، نساجی).

پس از انقلاب، بسیاری از آن‌ها یا تعطیل شدند یا با فشار نیروهای انقلابی به «شوراهای اسلامی» تبدیل شدند.

۳. برخورد حکومت با تشکلات

در سال‌های نخست انقلاب (۵۸-۶۰)، گرایش به شوراهای مستقل زیاد بود. از سال ۱۳۶۰ به بعد، با تثبیت نظام جمهوری اسلامی و آغاز جنگ ایران و

افراسیاب میردار فعال جامعه کارگری و بازنشستگان و عضو هیئت مدیره اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

تشکلات کارگری اوایل انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۳۶۰) یکی از پدیده‌های مهم اجتماعی و سیاسی آن دوران بودند. این تشکلات در فضای پراکنده پس از سقوط رژیم پهلوی و در شرایطی که نهادهای رسمی هنوز شکل نگرفته بودند، به‌صورت خودجوش و گاه سازمان‌یافته پدید آمدند. در ادامه، نگاهی خلاصه و تحلیلی به این تشکلات داریم:

الف: زمینه‌های شکل‌گیری

اعتصابات کارگری در دوران انقلاب (۱۳۵۶-۱۳۵۷):

کارگران، به‌ویژه در صنایع نفت، خودروسازی، نساجی و ذوب‌آهن، نقش تعیین‌کننده‌ای در فلج‌کردن رژیم پهلوی داشتند.

خلأ قدرت و نیاز به مدیریت محل کار:

پس از انقلاب، بسیاری از مدیران فرار کردند یا برکنار شدند، و کارگران برای ادامه‌ی تولید، شوراهایی را تشکیل دادند.

۲) مهم‌ترین انواع تشکلات کارگری

۱. شوراهای اسلامی کار:

با حمایت دولت و نهادهای انقلابی شکل گرفتند (از حدود سال ۱۳۵۹ به بعد).

گفتگوی صمیمانه سید مجتبی قریشیان سردبیر نشریه اتحادیه با حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان در خصوص

ارزیابی عملکرد هیئت مدیره قبلی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری :

نقش آفرینی ماهنامه در جهت تحقق اهداف اتحادیه

شده است. تمرکز ما الان روی این مسائل است، تا بتوانیم هم اعضای کیفی را ارتقاء دهیم و هم بتوانیم کمیت و کیفیت خدمات به اعضا را افزایش دهیم، تا از این طریق خط مطالبه گری اتحادیه را تقویت کنیم. وخواست های جامعه هدف خود را که بازنشتگان عزیز می باشند در محور ها و حوزه های مختلف با قدرت بیشتری دنبال کنیم و موجبات رضایت آنها را بیش از پیش فراهم آوریم.

اعضای جدید هیئت مدیره را با سواد تر و قدرتمندتر می بینم:

من احساس میکنم که اعضای جدید هیئت مدیره اتحادیه پیشکسوتان افرازی قدرتمندتر و متعهدتر و متخصص تر هستند و از دانش کافی برای انجام کار برخوردار می باشند. ما افرادی را در هیئت مدیره داریم که در حوزه روابط بین الملل دارای عمل و تخصص لازم در این رشته می باشند. در حوزه مطبوعاتی و ارتباط درست با مخاطب و جامعه هدف افرادی را داریم که در این رابطه از دانش و تخصص کافی برخوردار می باشند، در حوزه گردشگری افرادی را داریم که تخصص گردشگری دارند. با این تفصیل انشاء الله من آینده را روشنتر و بهتر می بینم. به دلیل حضور این افراد در ترکیب هیئت مدیره، انتظارم از آنها این است که برای پیشبرد اهداف اتحادیه تلاش بیشتر می کنند، و همانطور که به صورت یک عضو عادی اثرگذار بوده اند در حال حاضر که شخصیت حقوقی پیدا کرده اند میزان اثرگذاریشان را، بیشتر شاهد باشیم. انشاء الله که اتحادیه بتواند در کنار سایر تشکلات کارگری و حوزه بازنشتگی در پیشبرد اهداف سازمان تأمین اجتماعی که همانا حفظ اموال جامعه کارگری و بازنشته است، موثر واقع شود و در تنظیم قوانین کارآمد و اصلاح قوانین آسیب زا و بازدارنده و تقویت پشتوانه تأمین اجتماعی گام بردارد و مسیر خدمت به جامعه هدف را هموار سازد. و در دفاع از منافع کارگران و بازنشتگان با سلامت حرکت کند و در جهت حفظ دارایی های سازمان تأمین اجتماعی و بقا و استمرار، آن با قدرت و با صلابت حرکت کند.



رساند. اینها افرادی بودند که از درون اعضا و بدون هیچ چشم داشتی به کمک اتحادیه شتافتند. اینها بصورت افتخاری به کمک اتحادیه شتافتند و خدمت به اتحادیه را دوست داشتند و آمدن پای کار، و این باعث شد که اتحادیه و تشکلات ما با قدرت و صلابت بیشتری حرکت کند ضلع دیگری که ما روی آن کار و تمرکز کردیم، حوزه محوری بود یعنی اینکه اتحادیه متوقف نشد و بسط و توسعه پیدا کرد. در شهرهایی مثل رفسنجان و گرگان و پاکدشت و اسلامشهر و شهرک اندیشه و ملارد اتحادیه دفاتر خودش را گسترش داد و اقدام به جذب عضو کرد. بنا بر این من عملکرد کلی اتحادیه را جدای از هیئت مدیره مثبت ارز یابی میکنم، اما همراهی هیئت مدیره اتحادیه با این نوع سیاستگذاری ها قابل تقدیر بود آنها اگر کمک نکردند، مانع تراشی هم نکردند.

بنا داریم تا خط مطالبه گری اتحادیه را تقویت کنیم:
گزارش عملکرد اتحادیه در حوزه های گوناگون مثل اخذ وام، گردشگری، تهران گردی و بازدید از موزه ها، سفرهای یکروزه، و برای سفرهای بلند مدت که سفر به مشهد مقدس و سفر به کیش الان برنامه ریزی

درون اعضای هیئت مدیره رویکرد پیدا کرد به سمت اعضای اتحادیه و از بین اعضا رصد کردیم اعضای را که می توانستند موثر باشند و راغب بودن که بدون هیچ چشم داشتی بعنوان نیروی افتخاری برای اتحادیه کار کنند نمونه اش خود جنابعالی (خطاب به سردبیر) آیا اتحادیه و هیئت مدیره نشریه را احیاء کرد؟! خیر شخصی، بنام قریشیان که کار تشکیلاتی کرده بود و در حوزه مسائل کارگری کتاب نوشته بود، اهل قلم و صاحب علم مطبوعاتی بود بصورت افتخاری به کمک ماشتافت و نشریه را در جهت تحقق اهداف اتحادیه احیاء کرد. در حوزه سفرهای یکروزه خانم خوشنواز که خارج از چارچوب اعضای هیئت مدیره بود به کمک ماشتافت. در حوزه آموزش سلامت سالمندان یک نفر مثل سید علی اکبر موسوی و در حوزه تهرانگردی خانم ها عطفی، عبدالصمدی، استوار به کمک اتحادیه آمدند در حوزه عضوگیری خانم سرخوش ما را یاری رساند، اعضای فعالی مثل آقای انصافی، محمدی، نیکو به کمک ما آمدند و حتی افرادی مثل آقای رافی که از برادران مسیحی می باشد ما را در جهت تحقق اهداف اتحادیه یاری

در ابتدا جا دارد که به این نکته اشاره کنم که شما (خطاب به سردبیر) موتور محرک و احیاگر نشریه اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری شدید و در باز تولید نشریه نقش بسزایی را ایفا کردید و این جای تشکر دارد. به نظر من عملکرد هیئت مدیره قبلی را باید در سه بخش دنبال کنیم و به آن پردازیم ولی به دلیل ضیق وقت و تشریع آن صرفا به بیان سرفصل ها اکتفا میکنم. اگر خود اعضای هیئت مدیره قبلی مورد ارزیابی قرار بگیرند، مادر دوره قبل علی رغم اینکه اعضای هیئت مدیره دارای کفو و جایگاه تعریف شده قانونی در سایر تشکلات کارگری بودند، اما خروجی عملکرد فردی آنها جنگی به دل نژد و رضایتمندی من را به همراه نداشت به همین دلیل من به عملکرد آنها در خصوص توفیقات هیئت مدیره از ۱۰۰ نمره ۵۰ تا ۶۰ را می دهم.

تقویت اتحادیه به وسیله عملکرد افراد خارج از اعضای تیم هیئت مدیره :

آن چیزی که هیئت مدیره ما را تقویت کرد عملکرد افرادی فراتر از اعضای هیئت مدیره بود و آن اعضای بودند که از بین سایر اعضای اتحادیه شناسایی شدند و ما از آنها کمک گرفتیم. متاسفانه دوره قبل اعضای هیئت مدیره ما مصادف شد با انتخابات ریاست جمهوری دولت سیزدهم و تغییر دولت، به همین دلیل همه درب ها به روی ما بسته شد و در تنگنای شدید قرار گرفتیم، تنگنای خدمات دهی، امتیاز دهی، امتیاز گیری و حتی حوزه هایی از دولت سیزدهم که بر وزارت کار و تأمین اجتماعی حاکم بودند مارا، از نگاه خودشان رافضی تلقی می کردند. بنا بر این همه درها به روی ما بسته شده بود و همین امر بر توفیقات اتحادیه اثر منفی گذاشت

تمرکز ما بر استفاده از نیروهای کارگران خارج از اعضای هیئت مدیره قرار گرفت:

عرق کار تشکیلاتی که در وجود من و سایر اعضای هیئت مدیره بود باعث شد که اجازه ندهیم باب های باز شده به روی اتحادیه بسته شود و تمرکز ما از

برگزاری اولین جلسه اعضای هیئت مدیره جدید اتحادیه پیشکسوتان خانه کارگر

کارگری زمینه تحقق مطالبات جامعه هدف را فراهم آورده و از ورود به مباحث تعارضی خودداری کنیم.

صادقی در ادامه به بیان و تشریح خطی مثنی اتحادیه پیشکسوتان پرداخت و تأکید کرد: ترکیب جدید هیئت مدیره و بازرسین اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با توجه به توانایی و دانش و قابلیت هایی که دارند بایستی تلاش حداکثری خود را بکار بگیرند تا بسترهای لازم برای تحقق اهداف کوتاه و بلندمدت اتحادیه از جمله بهبود وضعیت معیشت جامعه هدف، بازگشت بانک رفاه کارگران به دامن سازمان تأمین اجتماعی، صیانت از قانون کار و مقابله با هرگونه تضعیف حقوق کارگران، امنیت شغلی و گسترش قراردادهای دائم در مشاغل مستمر، دستمزد عادلانه و متناسب با تورم، تأمین اجتماعی قوی، مستقل و پایدار، اجرای کامل تعهدات دولت و تسویه بدهی ها به سازمان تأمین اجتماعی، حمایت از بازنشتگان و اصلاح قوانین مرتبط، ایمنی و بهداشت کار، آزادی های صنفی و تقویت تشکلات کارگری، عدالت در روابط کار و رسیدگی سریع به اختلافات، جلوگیری از واگذاری دارایی های سازمان تأمین اجتماعی و بازپس گیری دارایی های از دست رفته، بهبود بیمه درمانی، و ارتقای خدمات تشخیصی و دارویی، بازنگری قوانین بازنشتگی سخت و زیان آور، گسترش خدمات، توسعه اتحادیه در سطح کشور و تبدیل دفاتر اتحادیه که در شهرستانها می باشند به یک اتحادیه و تحقق سایر اهداف باید مد نظر قرار گیرد. وی ضمن قدردانی از اعضای منتخب هیئت مدیره و بازرسین گفت: اعضای منتخب هیئت مدیره و بازرسین می بایست با تلاشی مضاعف، در مبادین دفاع از حقوق جامعه کارگری بازنشته حضور یابند و تا حصول نتیجه دلخواه لحظه ای آرام نگیرند. در پایان جلسه با تلاوت سوره مبارکه والعصر که در آن مومنین به انجام عمل صالح و رعایت حق و صبر توصیه میشوند پایان یافت.



کارگری.

۳- آقای سهراب قنبری بعنوان خزانه دار و مسئول امور مالی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری.

۴- مهدی مجیدی بعنوان مثنی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری.

۵- داود اخوان بعنوان دبیر اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری انتخاب شدند. پس از انتخاب، آقای حسن صادقی رئیس اتحادیه ضمن عرض خیر مقدم به حاضرین در جلسه و تقدیر از هیئت مدیره و بازرسین اسبق، با اشاره به پویایی تشکلات و اعضای بدنه آن عنوان کردند: باید از تمام امکانات موجود برای بهبود شرایط زندگی جامعه کارگران و بازنشته ها استفاده کنیم. صادقی افزود ایجاد کمیته های تخصصی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری یکی از اهدافی است که مدنظر اتحادیه است و در این خصوص بایستی بیشتر از قبل فعال بود. ضمناً کلیه اعضای هیئت مدیره و بازرسین اتحادیه می بایست با حضور خود در کمیته ها، نقش آفرینی مثبت و مؤثری داشته باشند. همچنین در تلاش هستیم تا با همکاری سایر تشکلات

جلسه منتخبین هیئت مدیره و بازرسین «اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری» با ذکر تلاوت قرآن مجید شروع شد و در ابتدا «علیرضا محبوب» دبیرکل خانه کارگر ضمن خیر مقدم به حاضرین در جلسه، از فعالیت هیئت مدیره و بازرسین سابق تقدیر و تشکر نموده و در ادامه گفت قرار است تغییراتی در اساسنامه خانه کارگر ایجاد شود. ما بواسطه جایگاه و پیشینه ای که اعضای هیئت مدیره و بازرسین جدید دارند، انتظار کار صنفی از آنها داریم و امیدواریم که در این خصوص موثر واقع شوند و موفقیت های قابل توجهی را کسب کنند.

دبیرکل خانه کارگر در ادامه سخنان خود به بیان مواردی پیرامون فعالیت های آتی خانه کارگر در عرصه صنفی و بحث در مورد قانون تشکلهای صنفی و ضرورت رعایت آن پرداخت و همچنین از تأثیرات جنگ ۱۲ روزه ۵۹۱ هزار نفر در طی ۲ ماه و بعد از جنگ ۱۲ روزه از بازار کار خارج شده اند و اگر حق بیمه ای را که اینها پرداخت می کردند را در نظر بگیریم یک عدد بزرگ و قابل توجهی میشود از سوی دیگر بیشتر از چهارصد هزار نفر بازنشت می شوند که این امر فشار مالی را بر سازمان تأمین اجتماعی مضاعف می سازد محبوب در پایان ضمن اشاره به وضعیت و مشکلات فعلی سازمان تأمین اجتماعی، تأکید کرد: باید تمام تلاش خود را بکار گیریم تا مشکل بانک رفاه کارگران راحل کنیم تا این بانک به دامن سازمان تأمین اجتماعی و کارگران بازگردد.

در ادامه جهت انتخاب رئیس و سایر ارکان هیئت رئیسه اتحادیه آقای سهراب قنبری بعنوان رئیس سنی جلسه انتخاب شد و سپس به منظور تعیین سمت های داخل هیئت مدیره رای گیری بعمل آمد که به اتفاق آرا

۱- حسن صادقی بعنوان رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری.

۲- آقای علیرضا حیدری بعنوان نائب رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه

گزارش نشریه اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری از جلسه کمیته بیمه و درمان سازمان تامین اجتماعی که در بیمارستان شهید دکتر لواسانی برگزار شد:

حسن صادقی رئیس کمیته بیمه و درمان سازمان تامین اجتماعی:

خدمات بی دریغ مرحوم دکتر منوچهر مشتاقی در حوزه درمان مستقیم، بر این جلسه کمیته بیمه و درمان سازمان تامین اجتماعی سایه انداخته بود

مشکلات جدی داریم و با وجود تعرفه های مختلف در بخش های مختلف خصوصی و دولتی، اصلا این تعرفه ها رعایت نمی شوند و به آن پایبند نیستند. و مبالغ دلخواه خود را دریافت می کنند.

پیشنهاد میشود که معاونت حوزه درمان مراکز بیشتری را به دندانپزشکی اختصاص دهد.

در تهران معاونت درمان چند مرکز را برای درمان بیماریهای دندان اختصاص دهد. با دعوت از

دندانپزشکان جوان در این مرکز به ارائه خدمت بپردازد. خیلی ها هستند که با توجه به گرانی هزینه های

معالجه درمان دندان آن را میکشند. من از دکتر عدلی بعنوان معاونت درمان خواهش میکنم ترتیبی اتخاذ

فرمایند تا یک بخش از دندانپزشکی که پایه ای محسوب میشود، در مراکز

درمانی سازمان تامین اجتماعی انجام شود. و بخش دیگر آن که نیاز به هزینه

بیشتری دارد، می توانیم با جمع کردن یکسری افراد متخصص این رشته

این هزینه ها را تا ۵۰٪ کاهش دهیم. چرا درمان سرپایی در مراکز درمانی

سازمان تامین اجتماعی نود کمتری دارد؟!

علی رغم اینکه بحث درمان سرپایی در مراکز درمانی سازمان

تامین اجتماعی چند بار مطرح شده ولی هنوز ما در این حوزه مشکل

داریم. طبق آمار ارائه شده بیشترین خدمات ارائه شده در مراکز درمانی

سازمان تامین اجتماعی، در بخش درمان سرپایی می باشد ولی این امر

نمود کمتری دارد و باید با اختصاص شیفیت های بعد از ظهر کمیت

و کیفیت درمان سرپایی را افزایش دهیم و اثرش را بیشتر کنیم.

واقعا پزشکان ما در مراکز درمانی سازمان تامین اجتماعی دارند عاشقانه خدمت میکنند، و پایی کارمانده اند. ممنونم که حمایت

جامعه کارگری را به همراه داریم و شما از درمان مستقیم حمایت میکنید. ما که

در مرز بازنشستگی قرار داریم ولی امیدوارم، اهدافی را که برای درمان

در نظر داریم و تحقق آن را در سر می پروریم محقق شود و در این راه

موفق شویم. من با تمام توان به فکر

حفظ سرمایه و شأن بیمارستان شهید لواسانی هستم.

اکبر قربانی دبیر کمیته بیمه و درمان سازمان تامین اجتماعی:

در حوزه دندانپزشکی با مشکلات جدی مواجه هستیم علی رغم اینکه

در این حوزه تعرفه ها بالاست ولی غالبا رعایت نمی شود:

برگزاری جلسات کمیته بیمه و درمان سازمان تامین اجتماعی

بصورت منظم از اهمیت خاصی برخوردار است و به پیداکردن وحل

مشکلات درمانی کمک میکند. جادارد که از آقای دکتر عدلی بخاطر

عملکرد خوب اجرایی که دارند تشکر بعمل آید. واقعیت این است

که ما در خصوص درمان دندانپزشکی



بدهیم، وضعیت تعرفه های پزشکی در سیستم درمانی تامین اجتماعی باعث شده که فقط پزشکان عاشق خدمت در این مراکز به درمان بیماران بپردازند.

بخاطر وضعیت تعرفه های پزشکی که در سیستم تامین اجتماعی وجود دارد، باعث شده که بعضی از

پزشکان که از سلامت نفس کمتری برخوردارند، زیرمیزی دریافت

کنند و مریض را در نهایت در مراکز وابسته به دانشگاهها عمل کنند. در

بیمارستانهای خصوصی هم جراحان بنام و مشهور اینکار را دارند انجام

می دهند. با تمام توان و با همه وجود از شأن

و سرمایه این بیمارستان حفاظت و حمایت میکنم.

خیر مقدم عرض میکنم خدمت حضار گرامی. واقعا درخورد و شایسته

مقام دکتر مشتاقی بود که چنین مراسمی برگزار شود و شما به اینجا تشریف

بیاورید و در مراسم گرامی داشت آن مشتاق خدمت به جامعه شرکت کنید

و به خانواده آن مرحوم نشان دهید که جامعه کارگری قدرشناس خدمات

پزشکان خدوم خودش می باشد. دکتر مشتاقی انصافیک انسان یک

فرد متخصص، سلیم النفس، و شریف بود که ۱۷ سال ریاست این بیمارستان

را بر عهده داشت و در زمانیکه دکتر مشتاقی اینجا بود اجازه نداد حتی

یک مورد خلاف قانون و شئونات جامعه کارگری در این بیمارستان

انجام شود و ماهم تمام تلاش خودمان را میکنیم تا این راه را، ادامه

اینکه ما سهم درمان را در بودجه واقعی نبینیم و حتی آن مقدار دیده شده نیز محقق نشود مشکلات

رایبشتر و پیچیده تر می کند: به این دلیل که اگر ما بتوانیم ۲۷/۹ سهم

درمان را بصورت کامل مطالبه کنیم چرخ درمان مستقیم ما بهتری می چرخد.

ولنگ نمی زند. تجهیزات پزشکی بیمارستانهای ما بازسازی و به روز

میشود و این امر مستلزم دیدن بودجه واقعی است. ۲۷/۹ سهم درمان مبلغی

بالغ بر ۳۷۰ تا ۳۸۰ هزار میلیارد تومان

در ابتدا من از برگزاری مراسم گرامی داشت یاد مرحوم دکتر منوچهر

مشتاقی که توسط جناب آقای دکتر سید علی جمالیان ریاست

بیمارستان شهید لواسانی در این بیمارستان برگزار شد تشکر و قدردانی

می نمایم جدا مرحوم دکتر مشتاقی حق بزرگی به گردن جامعه بویژه

کارگران و بازنشستگان دارد. سیستم درمان مستقیم سازمان تامین

اجتماعی حاصل زحمات شبانه روزی دکتر مشتاقی و دکتر طریقت و سایر

همکاران خدوم و تلاشگران آنهاست. جامعه ما بابت درمان مستقیم سازمان

و اماد این بزرگ مرد و پزشک خستگی ناپذیر و دلسوز و متخصص و مشتاق

خدمت است، امیدوارم که خداوند متعال یاری فرماید که راه و روش آن

بزرگوار که راه خدمت به جامعه به ویژه کارگران و بازنشستگان است ادامه پیدا

کند، و روحش شاد و راهش پر رهرو باد شما پزشکان خدوم گنجینه

های جامعه، بخصوص کارگران و بازنشستگان هستید ما قدر دان

تلاشهای بی وقفه شما هستیم. اعتقاد دارم که شما پزشکان

خدوم که بدون هیچ چشم داشتی به جامعه خدمت می کنید سرمایه

های گرانقدر جامعه و کارگران و بازنشستگان هستید و ما وظیفه

داریم که این سرمایه های ارزشمند را حفظ و پاسداری کنیم، به ویژه

آدمهایی که دستشان در جیب بخش خصوصی نیست و با توجه به اعتقاد

خود در حوزه درمان مستقیم فعالیت می کنند، ما باید عملکرد آنها را

گرامی بداریم و تلاش کنیم که به شما پزشکان خدوم و دلسوز کمک کنیم

من اعتقاد دارم و بر این باورم که کمک به شما عزیزان کمک به خود ماست.

علیرضا محبوب: طرز تفکر و اندیشه دکتر مشتاقی باید ترویج شود

حسن صادقی در مراسم گرامی داشت دکتر منوچهر مشتاقی: جامعه ما دکتر مشتاقی را ارباب حوزه درمان می داند



علیرضا محبوب در مراسم گرامی داشت دکتر مشتاقی طرز تفکر و اندیشه دکتر مشتاقی باید ترویج شود:

دکتر مشتاقی اعتقاد داشت که سیستم درمان خدمتگذار بیمه شده است و به این فکر میکرد که چگونه میشود به بهترین وجه ممکن به بیمه شده خدمت کرد. برگزاری اینگونه مراسم یعنی تجلیل از خادمان جامعه پزشکی من امیدوارم که در خصوص طرز تفکر دکتر مشتاقی و دکتر طریقت کتابها و مقالاتی به رشته تحریر درآید و اگر کسی خواست در این مسیر گام بردارد ما آماده ایم تا به او کمک کنیم تا این اندیشه و فرهنگ تبلیغ شود.



اجرای این قانون را داشت. او پزشکی حاذق بود که تشخیص او، بسیار دقیق و عالمانه بود و با همان نسخه اول بیمار درمان میشد. بیماران اعتقاد داشتند که دست او شفاست.

جامعه به خصوص کارگران و بازنشستگان قدردان زحمات و تلاشهای دکتر مشتاقی هستند.



مرحوم دکتر منوچهر مشتاقی و دکتر طریقت کمر بر اجرای قانون الزام درمان رایگان سازمان تامین اجتماعی بستند این مرد بزرگ مطب شخصی خودش را هم در خدمت بیماران بی بضاعت و کارگران گذاشته بود و با آغوش باز بیماران معرفی شده از سوی جامعه کارگری را پذیرا بود او پزشکی محکم، جدی و استوار امامهربان بود او، واقعا خودش را وقف جامعه کارگری کرده بود او به کارگر بعنوان مالک سازمان تامین اجتماعی نگاه میکرد. این مرد بزرگ با خوشحالی کارگر خوشحال و با ناراحتی کارگر ناراحت میشد او تلاش می کرد تا قانون الزام رایگان سازمان تامین اجتماعی مو به مو و به دقت اجرا شود و همیشه دغدغه

حماقت جمعی

در برابر حماقت ما بی دفاعیم

حالا با ابزارهایی چون اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، سریع‌تر و عمیق‌تر گسترش می‌یابد.

روزی به خرد جمعی در فضای آنلاین ایمان داشتیم. در آغاز، اینترنت قرار بود سکویی باشد برای تبادل آرا، دسترسی آزاد به دانش، و قدرت‌گیری انسان‌های کنجکاو. اما چه شد که حالا شبکه‌های اجتماعی به جولانگاه توهین، لطفه‌های سطحی و بازنشر بی‌دلیل شایعات تبدیل شده‌اند؟

پاسخ در مفهوم «حماقت جمعی» نهفته است؛ نوعی ناتوانی عمومی در تفکر مستقل، که با شتاب‌زدگی و فشار گروهی همراه می‌شود.

اگر به ریشه‌ها نگاه کنیم، این حماقت، زاده شرایطی‌ست که مردم را از تحلیل بازمی‌دارد و به واکنش‌های احساسی سوق می‌دهد.

شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که در فضای مجازی، با پستی روبه‌رو شوید که آشکارا اشتباه است؛ اما صدها هزار لایک و بازنشر دارد. چرا این‌گونه محتواها تا این اندازه محبوب می‌شوند؟ چرا حماقت، این قدر همه‌گیر شده؟

شاید پاسخش را بتوان در تحلیل‌های دیترش بونهوفر پیدا کرد. او در نامه‌ای از زندان نوشته بود: «در برابر حماقت، ما بی‌دفاعیم به نظر می‌رسد این جمله همچنان در زمانه ما صدق می‌کند. زیرا «حماقت جمعی» نه از کم‌هوشی، بلکه از نوعی واگذاری اراده فردی ناشی می‌شود. همین موضوع است که «آن» را خطرناک‌تر از شرارت می‌کند.

دو روز بعد از این‌که آدولف هیتلر صدراعظم آلمان شد، کشیش دیترش بونهوفر، در یک برنامه رادیویی به مردم کشورش هشدار داد. اما پیش از آنکه حرف‌هایش تمام شود، پخش برنامه‌اش قطع شد. او در همان آغاز کار نازی‌ها هشدار داد که هیتلر ممکن است نه «رهنما» بلکه «گمراه‌کننده» باشد. بونهوفر تا پایان عمرش در سال ۱۹۴۵ که به‌خاطر همکاری با توطئه ترور هیتلر اعدام شد، در برابر نازیسم ایستادگی کرد.

اما نکته جالب‌تر، نگاه متفاوت او به ریشه‌های این سقوط اخلاقی و سیاسی بود. او در نامه‌ای که در زندان نوشت، به این نتیجه رسیده بود که «مشکل اصلی، «شرارت» نبود، بلکه «حماقت» بود».

او نوشت: «حماقت، دشمنی خطرناک‌تر برای خوبی است تا شرارت. چون می‌توان در برابر شرارت مقاومت کرد، آن را افشا کرد یا جلوش را گرفت. اما در برابر حماقت، ما ناتوان هستیم.»

او توضیح می‌دهد که فرد احمق، برخلاف فرد شرور، اغلب از خودش راضی است و به‌راحتی تحریک می‌شود و حتی ممکن است دست به حمله بزند.

بونهوفر معتقد بود «حماقت، نه یک نقص هوشی، بلکه یک ضعف انسانی است» که در شرایط خاص سراغ افراد می‌آید و مهم‌تر اینکه، مردم اجازه می‌دهند که احمق شوند!

او نوشت: «هر زمان که یک قدرت بزرگ سیاسی یا مذهبی ظهور می‌کند، بخش زیادی از مردم را گرفتار حماقت می‌کند. چرا که قدرت، به حماقت

بیا تا قدر یکدیگر بدانیم میهمانی پیر مرد !!!

بایبد چکار کند، برگه‌ای را که به همین منظور روی

یخچال چسبانده، به او نشان می‌دهد که رویش نوشته:

۱- قهوه سرو کن.

۲- ساندویچ‌ها را سرو کن.

۳- نوشابه و نوشیدنی‌ها را سرو کن.

۴- یک کیک را سرو کن.

پیرمرد پس از دیدن برگه گفت:

• عالیه! حالا دیگر مشکلی نخواهم داشت.

• ممنون و متشکرم پسر!

همان روز بعدازظهر، دوستانش رسیدند. هیچ‌کدام کمتر از ۸۰ سال نداشتند.

پیرمرد که میزبان خوبی بود، آن‌ها را به سالن غذاخوری راهنمایی کرد و خودش به آشپزخانه رفت.

و خواند:

۱- قهوه سرو کن.

و برای دوستانش قهوه آورد.

بعد از مدتی صحبت، پیرمرد که کمی مضطرب شده

بود، دوباره به آشپزخانه رفت و خواند:

۱- قهوه سرو کن.

و دوباره برایشان قهوه ریخت...

و این کار را چهار بار تکرار کرد.

در پایان، دوستانش خداحافظی کردند و رفتند.

یکی از دوستانش در راه به دوست دیگری که در میهمانی حضور داشت گفت:

متوجه شدی؟ چه میزبان بدی بود، او

حتی یک فنجان قهوه هم برایشان نیاورد!!!

دوستش جواب داد:

تو درباره‌ی چه کسی حرف می‌زنی؟

آن شب، پسر پیرمرد به خانه‌ی پدرش برگشت و با

تعجب دید که ساندویچ‌ها، نوشیدنی‌ها و کیک هنوز

دست‌نخورده‌اند. از پدرش پرسید:

• پدر، چی شد؟

پیرمرد جواب داد:

• پسر، ماور نمی‌کنی! هیچ‌کدامشان نیامدند...

نتیجه‌ی داستان:

بیایید همین حالا تا دیر نشده فرصت را غنیمت

شمیریم و دور هم جمع شویم، و از باهم بودن لذت

ببریم و قدر یکدیگر را بدانیم، قبل از اینکه دچار

فراموشی شویم و همدیگر را، از خاطر ببریم

زندگی پر است از آدم‌هایی که میان جمع هستند ولی بی صدا فرو می‌ریزند

زنده‌اند...

قدم می‌زنم و به این فکر میکنم گاهی سکوت بلندترین فریاد زندگی‌ست و شاید تنهایی؛ تنها جایی‌ست که می‌شود بی‌نقاب با خودت رو به رو شوی.

شاید همین رو به رو شدن اولین قدم برای زندگی کردن باشد.

بی‌هدف در خیابان و بین انبوهی از مردم همیشه عجول پرسه می‌زنم، با دیدن تنهایی آدم‌ها به این فکر میکنم شاید همه‌ی ما فقط دنبال کسی هستیم که سکوتمان را بفهمد نه لزوماً آن را برهم بزند و بشکند.

کسی که حضورش آرام است مثل نسیمی که فقط می‌گذرد اما هوای دلت را عوض می‌کند و تا آن روز باید یادگیریم خودمان برای خودمان آن [کس] باشیم؛ کسی که می‌فهمد، می‌گذرد، می‌بخشد و با وجود همه خستگی‌ها هنوز لیخند می‌زند.

به خانه بر میگردد گویی در چشمانم برقی‌ست که مردم از آن امید می‌گیرند، نوری کوچک اما زنده...

گردآوری: مریم سادات موسوی

اینجاست که نشان می‌دهد، که چقدر به همدیگر

وباهم بودن نیاز داریم:

به خیال اینکه تنها آدم دل‌تنگ شهر هستیم از خانه بیرون می‌زنم،

در سرم غوغائی است.

در میان صدای ممتد ماشین‌ها، گفت و گوهای بی‌پایان و هیاهوی مردم چیزی

در درونم ساکت می‌شود.

به این فکر می‌کنم نفرین چه کسی پشت ماست که اینگونه غریب و تنها شدیم. در شلوغی شهر انگار با همه‌ای اما نه...

تو همیشه تنهایی،

ما همیشه تنهاییم...

انبوهی از مردم تنها که با همیم ولی بی‌هم هستیم

لیخند می‌زنیم، حرف می‌زنیم، می‌خندیم ولی گوشه‌ای‌ای از وجودمان در سکوتی آرام ایستاده‌ایم و تماشا می‌کنیم.

تنهایی همیشه به معنای یکه و تنها بودن نیست

گاهی درست در وسط شهر و در دل شلوغی احساس می‌کنی هیچ کس

صدايت را نمی‌شنود و همین جاست که یاد می‌گیری با خودت حرف بزنی،

با افکارِت قدم بزنی و از دل سکوت معنی تازه‌ای برای زندگی

بسازی، معنایی که شاید تنها منجی تو برای زندگی کردن باشد.

زندگی پر است از آدم‌هایی که میان جمع بی‌صدا فرو می‌ریزند،

آدم‌هایی که یاد گرفته‌اند لیخند بزند تا کسی نپرسد خوبی؟؟؟

چرا که جوابش طولانی‌تر از حوصله‌ی دیگران است...

اما شاید همین لحظه‌های خلوت همان قدر که سختند فرصتی

باشند برای بازگشت به خودمان

برای اینکه دوباره به یاد بیاوریم چه چیزهایی ما را خوشحال می‌کند

به چه چیزهایی نیاز داریم و چه رویاهایی هنوز در گوشه‌ی دلمان

لطفا شادی را انتخاب کنید !!!

انتخاب شادی، پاسخی است عاشقانه به دعوت هستی شادّیِ نوری‌ست که از ژرفای جان می‌تابد؛ نه از دارایی، که از دانایی و رضایت.

این نور، با پذیرشِ هستی و شکرِ آگاهانه از آنچه هست، در دل پایدار می‌ماند.

دل شاد، تکیه‌گاه صبر و سرچشمه‌ی مهربانی‌ست؛

و انسان شاد، حتّی در تنگنای رنج، روزنه‌ای از امید جاوید می‌گشاید.

شادی، نیرویی است برای پایداری و خلاقیت؛

مایه‌ی سلامّت تن، آرامش روان و استواری پیوندها.

این نه صرفاً احساسی زودگذر، که مهارتی‌ست برای زیستنِ بیدار و تاب‌آور.

برای هر سن، ضرورتی است:

کودک را به شگفتی می‌کشاند، جوان را به جسارت، بزرگسال را به تعادل، و سالمند را به آرامش.

مولانا می‌فرماید:

«شاد باش ای عشقِ خوش سودای ما

ای طیبیب جمله علت‌های ما»

شادی حقیقی از پیوند دل با معنای زندگی برمی‌خیزد.

آنگاه که انسان، خود را جزئی از حقیقتی فراتر می‌بیند،

دل از اضطراب می‌رهد و در لحظه حال، طعم حضور را درمی‌یابد.

این همان شادی آرام و ژرف است که نه در فرار از غم،

بلکه در فهم آن شکوفا می‌شود.

انتخاب شادّی، پاسخی است عاشقانه به دعوتِ هستی؛

پذیرش نور در میان سایه‌ها، و لیخندی در میانه راه ناپایدار جهان.

خداوند، در دلِ ما نوری از شادی بشارت که از ایمانِ ژرف برخیزد؛

تا لَبِخندِ ما، در هر حال، نشانه‌ی رضای تو باشد



بیمه های تکمیلی بازنشستگی ظلم مکمل به اقشار فرودست!!!



دکتر علی حیدری، کارشناس رفاه و تامین اجتماعی و مشاور ارشد مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در یادداشت زیر، تصوینامه هیات وزیران درخصوص «آئین نامه نحوه تشکیل و فعالیت صندوقهای بازنشستگی مکمل غیر دولتی و حسابهای انفرادی» را نقد کرده است.

شکل دهی نظام چندلایه تامین اجتماعی یکی از روندهای غالب در تجربیات علمی و عملی موفق دنیا و بویژه در کشورهای پیشرفته، توسعه یافته و درحال توسعه طی دهه‌های اخیر بوده است و همه این کشورها یک تغییر دیدمان (پارادایم شیفت) از نظامات تامین اجتماعی مالیات محور یا حق بیمه محور و از صرفا دولتی به ترکیب دولتی و خصوصی داشته‌اند. در ایران نیز موضوع نظام جامع و چندلایه تامین اجتماعی از دیرباز در قوانین مختلفی مطرح بوده ولیکن اجرایی نشده است و به طور مشخص در سیاستهای کلی تامین اجتماعی و بند ۵ برنامه هفتم توسعه به دولت تکلیف شده است که طراحی و استقرار نظام چندلایه تامین اجتماعی در لایه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای و سطوح پایه، مازاد و تکمیلی در لایه بیمه‌ای اقدام نماید و این امر در بند الف ماده ۳۱ برنامه هفتم نیز تصریح شده است.

اخیرا هیات وزیران تصوینامه‌ای در خصوص «آئین نامه نحوه تشکیل و فعالیت صندوقهای بازنشستگی مکمل غیر دولتی و حسابهای انفرادی» را برای اجرا ابلاغ نموده است که صرف نظر از ایرادات شکلی و ماهوی زیادی براساس اسناد و قوانین بالادستی کشور به ویژه سیاستهای کلی تامین اجتماعی و مغایرت با تجارب علمی و عملی موفق دنیا در حوزه رفاه و تامین اجتماعی و نادیده گرفتن اولیبه‌ترین و بدیهی‌ترین اصول، قواعد و محاسبات بیمه‌ای، واجد احکامی ناعادلانه و تبعیض آمیز بوده و خلاف قاعده عدالت اجتماعی و اصول عدالت بیمه‌ای می‌باشد و می‌توان آن را ذبح عدالت در مسلخ مدعیان مزور، سالوس و ریاکار عدالت نامید.

آئین نامه مزبور واجد ایرادات کارشناسی زیادی است از جمله عدم توجه به ترتیب و توالی منطقی و علمی مندرج در سیاستهای کلی تامین اجتماعی، عدم

فراهم سازی مقدمات و پیش نیازهای لازم برای شکل دهی سطح مکمل و... که پرداختن به همه آن‌ها در این مقال و مجال نمی‌گنجد ولیکن سطح بندی به کار رفته در این آئین نامه که در مواد ۱ و ۲ آن آمده است به شدت ناعادلانه و تبعیض آمیز است و درحالی که هدف از شکل دهی نظام تامین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی و رویکرد غالب سیاستهای کلی تامین اجتماعی ایجاد عدالت در دسترسی به خدمات و پوشش‌ها و اعمال عدالت در بهره مندی از منابع عمومی است، آئین نامه مزبور در جهت خلاف عدالت تنظیم گردیده است.

بدین ترتیب که در اجزاء ۵ و ۶ ماده ۱ تصوینامه که به تعریف سطوح پایه و مکمل بیمه پرداخته است ملاک سطح بندی خدمات و پوشش‌های بیمه‌ای سطوح پایه و مکمل را وضعیت موجود سازمانها و صندوقهای بازنشستگی قرار داده است این در حالی است که:

اولا به لحاظ عقل و منطق و براساس تجارب علمی و عملی موفق دنیا، سطح بندی خدمات و پوشش‌ها براساس متغیرهای اقتصادی و اجتماعی جامعه و نیاز مردم و ذینفعان صورت می‌گیرد نه بر اساس کارکرد سازمانها و صندوقهای بازنشستگی یا وضع موجود آن‌ها براساس قوانین مربوط به دهه ۵۰ و تغییرات وصله و پینه‌ای که طی نیم قرن اخیر برخلاف اصول و قواعد بیمه‌ای در این قوانین اعمال شده است

ثانیا در حال حاضر سطح خدمات و پوشش‌های سازمانها و صندوقهای بیمه‌گر اجتماعی با یکدیگر تفاوت‌های فاحش و آشکاری دارد و انکاء به وضع موجود آن‌ها برای سطح بندی، عملا سطح بندی نیست و نوعی بی‌قاعدگی و به هم ریختگی در تعیین سطح خدمات و پوشش‌های بیمه‌ای را سبب خواهد شد

ثالثا از گذشته تاکنون و به لحاظ عدم فراگیری و جامعیت خدمات و پوشش‌های بیمه اجتماعی و فقدان نظام چندلایه و چند سطحی تامین اجتماعی در میان ذینفعان سازمانها و صندوقهای بازنشستگی به ویژه در مواردی که غالبا از منابع عمومی اترزاق می‌کنند، دسترسی عادلانه به خدمات و پوشش‌ها و بهره مندی عادلانه از منابع عمومی وجود ندارد و ابلاغ سیاستهای کلی تامین اجتماعی با هدف رفع تبعیض‌های ناورا و رعایت عدالت اجتماعی صورت گرفته است ولیکن این تصوینامه به تشدید بی‌عدالتی و تبعیض دامن زده است

رابعا هدف از سطح بندی و لایه بندی بیمه‌های اجتماعی که براساس صادر بند ۵ سیاستهای کلی تامین اجتماعی باید مبتنی بر ارزیابی آزمون وسع انجام پذیرد اعمال یک سطح بندی واحد برای احاد جامعه است ولیکن این نحوه سطح بندی مندرج در مواد ۱ و ۲ تصوینامه دولت باعث می‌گردد که افراد مشابه و همطراز از منظر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی و... دارای سطح متفاوت بیمه پایه و مکمل شوند و به نوعی به جای نظام چندلایه تامین اجتماعی که مدنظر

سیاستهای کلی ابلاغی بوده است، نظام چندپایه تامین اجتماعی طراحی شده است

خامسا اینکه برخی از صندوقهای بازنشستگی فعلی که بالاترین برخورداری را از منابع عمومی و دولتی دارند فاقد سقف پرداخت حق بیمه هستند و در صندوق بازنشستگی کشوری اساتید دانشگاه و قضات فاقد سقف پرداخت حق بیمه می‌باشند و اساسا با ترتیبات مندرج در این ماده، بیمه مازاد و مکمل در خصوص این مصادیق موضوعیت نمی‌یابد درحالی که یکی از اصول مصرحه و اهداف مندرج در سیاستهای کلی تامین اجتماعی رفع تبعیض‌های ناروا در برخورداری از منابع عمومی بوده است

در ماده ۲ تصوینامه و بندهای ۱۴ گانه آن که به مصادیق مشمول بیمه‌های تکمیلی پرداخته است به لحاظ عدم طراحی نظام چندلایه و چند سطحی تامین اجتماعی در تصوینامه‌ها و قوانین و مقررات دیگر (موضوع بندهای ۲ و ۵ سیاستهای کلی تامین اجتماعی و بند ۵ سیاستهای کلی برنامه هفتم پیشرفت) دچار اعوجاج و اغتشاش مفهومی می‌باشد بدینترتیب که اولاً به موجب برخی از بندهای ماده ۲ پوشش‌ها و خدماتی که ذاتا پایه محسوب می‌شوند به عنوان مکمل تلقی شده‌اند ثانياً دو فرد مشابه به لحاظ تجربی و تحصیلی و توان مالی یا درآمدی و حتی جغرافیایی دارای سطح پایه و مکمل متفاوتی هستند و در نتیجه سهم الشرکه بیمه‌ای دولت در قبال آن‌ها متفاوت خواهد بود ثالثاً در مواردی نظیر اخراج نیروی کار یا بیکاری کارجویان و... که دولت باید با رویکرد فعال وارد عمل شود در این ماده آن را به اخذ پوشش بیمه مکمل توسط ذینفع احاله داده است

در بند ۳ ماده ۲ تصوینامه صدرالذکر مواردی که در بین کارمندان و کارکنان دولت و مشمولین قانون مدیریت خدمات کشوری به غلط از شمول کسر و پرداخت حق بیمه مستثنی گردیده است را در زمره سطح مکمل قرار داده است و این بدان معنی است که دو فرد کاملاً مشابه از نظر شغلی و تجربی و تحصیلی در یک دستگاه دولتی به طور متفاوت از سطح پایه و تکمیلی متفاوتی دارند و دولت بابت یکی تا سقف ۷ برابر در بیمه پردازی مشارکت می‌کند

در بند ۵ ماده ۲ تصوینامه صدرالذکر مازاد بر دستمزد مقطوعی موضوع ماده ۳۵ قانون تامین اجتماعی به عنوان سطح مکمل قلمداد گردیده است درحالی که دستمزد مقطوعی موصوف غالباً کمتر از دو تا سه برابر حداقل دستمزد است و این امر یعنی اینکه در یک کارگاه فردی که شغلش مشمول دستمزد مقطوعی است با فردی که شغلش مشمول دستمزد مقطوعی نیست (و درآمد مشمول کسر حق بیمه هر دو کمتر از ۷ برابر حداقل دستمزد است) به طور متفاوت از سطح پایه و تکمیلی

مختلفی برخوردارند

در بند ۶ ماده ۲ تصوینامه صدرالذکر، مازاد بر سطوح بیمه پردازی مورد عمل صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر در زمره بیمه مکمل قلمداد شده است درحالی که سقف بیمه پردازی در سطوح مزبور از کف بیمه پردازی سایر صندوق‌ها (حداقل حقوق و مزد کارگری و کارمندی کمتر است) و این امر مسبب تشدید محرومیت اقشار فرودست جامعه گردیده و عدم انطباق جدی با سیاستهای کلی تامین اجتماعی و اصول و قواعد بیمه‌ای دارد

در بند ۸ ماده ۲ تصوینامه فوق الذکر برخورداری از پوشش بیمه بیکاری در زمره سطح مکمل قلمداد گردیده است حتی در مورد افرادی که از پوشش سطح پایه بیمه بیکاری برخوردار نیستند و این امر خلاف قاعده عدالت بوده و مسبب تشدید محرومیت اقشار فرودست جامعه گردیده و عدم انطباق جدی با سیاستهای کلی تامین اجتماعی و اصول و قواعد بیمه‌ای دارد و ابتدا دولت باید سطح پوشش بیمه پایه بیکاری را برای همگان برقرار کند و مازاد بر آن به حیطه مکمل سوق داده شود

به طور کلی دولت در این آئین نامه تلاش نموده است که نظام تامین اجتماعی و برای تحقق عدالت اجتماعی نقش غیرفعالی داشته باشد و ماموریت‌ها و تکالیف مصرحه در اصول ۲۹، ۳۰، ۴۳ قانون اساسی که در صدر سیاستهای کلی تامین اجتماعی قید شده است و نیز وظایف ذاتی و اساسی خود به موجب سیاستهای کلی تامین اجتماعی را به سطح مکمل سوق داده و بار مالی آن را بر عهده افراد و خانوارها قرار دهد درحالی که صرفاً باید افراد برخورداری در دهک‌ها و سطوح درآمدی بالا در سطح مکمل قرار می‌گرفتند. ضمن اینکه به نظر می‌رسد لایه بندی و سطح بندی خدمات و پوشش‌های بیمه اجتماعی و یا اصول، قواعد و شاخص‌های آن، موضوعی است که حتماً باید در قالب قوانین و به موجب لایحه تقدیمی دولت و با تصویب مجلس تعیین گردد.

مخلص کلام اینکه آئین نامه مصوب بیمه‌های تکمیلی بازنشستگی در واقع یک ظلم مکمل به اقشار فرودست جامعه است چرا که در این فرآیند یک بیمه شده کشاورز، روستایی، عشایر برای دریافت مستمری مازاد بر ۶ میلیون تومان باید بیمه مکمل خریداری کند و کل حق بیمه را خودش از جیبش بپردازد و یا یک کارگر برای دریافت مستمری مازاد بر دستمزد مقطوعش که یک و نیم برابر حداقل دستمزد و حدود ۱۵ میلیون تومان می‌باشد باید بیمه مکمل خریداری کند و کل حق بیمه را خودش از جیبش بپردازد ولی در صندوقهای متعلق به خاص و خواص و حتی در صندوق بازنشستگی کشوری افراد برای دریافت مستمری حدود ۱۰۰ میلیون

همیشه کارها را اینگونه انجام داده ای این خطرناک ترین جمله ای است که می توان شنید

همان روال کار را ادامه دادم!

مادر لویی او را صدا زد و گفت: «هن علت را میدانم! زمانی که تو ۳ سالت بود این نیمکت را رنگ زده بودند. پدرت به افسر گارد گفت نگهبانی را اینجا بگذارند تا تو روی نیمکت نشینی و لباست رنگی نشود! و از آن روز ۴۱ سال می گذرد و هنوز روزانه سربازی اینجا قدم میزنی!»

خطرناک ترین جمله ای که می شود

شنیدن این است: "همیشه کارها را اینگونه انجام داده ایم!"

قبل از انجام هر کار، به ۳ سؤال کلیدی زیر پاسخ گوئید:

۱. چرا باید این کار را انجام دهم؟

۲. اگر این کار انجام نشود چه اتفاقاتی رخ خواهد داد؟

سوسیس به کار می برده است!

بالاخره تازه داماد، این سوال را با مادر بزرگ همسرش در میان گذاشت. مادر بزرگ لیخندی به لب آورد و به تازه داماد زل زد و گفت: چون ماهی تابه ای من کوچک بود و سوسیس درسته در آن جا نمی گرفت!

۳_ سرباز و نیمکت

روزی لویی شانزدهم در محوطه کاخ خود مشغول قدم زدن بود که سربازی را کنار یک نیمکت در حال نگهبانی دید. از او پرسید: «تو برای چی اینجا قدم میزنی و از چی نگهبانی میدی؟»

سرباز دستپاچه جواب داد: «قربان من را افسر گارد اینجا گذاشته و به من گفته خوب مراقب باشم!»

لویی، افسر گارد را صدا زد و پرسید: «این سرباز چرا این جاست؟» افسر گفت: «قربان افسر قبلی نقشه قرار گرفتن سربازها سر پستها را به من داده من هم به

هم مُرد. راهبان آن معبد گربه ای خریدند و به معبد آوردند تا هنگام مراقبه به درخت ببندند تا اصول مراقبه ای را درست به جای آورده باشند!

۲_ ماهی تابه و سوسیس

عروس جوانی به عنوان شام برای تازه داماد، سوسیس درست می کرد. اما پیش از آن که سوسیس ها را برای سرخ کردن داخل ماهی تابه بگذارد، سر و ته آنها را با چاقو می زد. وقتی شوهرش دلیل این کار را از او پرسید، تازه عروس پاسخ داد که مادرش همیشه سوسیس را به همین صورت سرخ می کرده است.

چندی بعد که عروس و داماد در خانه مادرزن میهمان بودند و با همین غذا از آنها پذیرایی شد، تازه داماد این موضوع را با مادرزن در میان گذاشت و علت را جویا شد. مادرزن شانه ای بالا اندخت و گفت که مادر خودش هم همیشه همین روش را برای سرخ کردن

خیلی از کارهایی که انجام می دهیم را دلایل را نمی دانیم ولی به کارمان ادامه می دهیم. جالب اینجاست که سؤال هم نمی پرسیم. دلیل این سؤال نپرسیدن هم مشخص نیست. آیا از ترس است؟ آیا حوصله سؤال پرسیدن نداریم؟ حال فکر کردن نداریم؟ آیا چون دیگران هم انجام می دهند ما هم انجام می دهیم؟ چون پدر، ومادر مان آنرا انجام دادند ما آن را انجام می دهیم.

۱_ گربه معبد

در معبدی گربه ای وجود داشت که هنگام مراقبه ی راهب ها مزاحم تمرکز آنها میشد. بنابراین استاد بزرگ دستور داد هر وقت زمان مراقبه می رسد یک نفر گربه را گرفته و به ته باغ ببرد و به درختی ببندد. این روال سالها ادامه پیدا کرد و یکی از اصول کار آن معبد شد. سالها بعد استاد بزرگ درگذشت. گربه

مراسم روز ۲۹ آبان سالروز تصویب قانون کار باحضور جمع کثیری از کارگران و بازنشستگان در خانه کارگر مرکز (ابو ریحان) برگزار شد در این مراسم علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر و حسن صادقی معاون دبیر کل ورئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در حمایت از قانون کار و اجرای آن ، به ایراد سخنرانی پرداختند و در پایان قطعنامه ای در ۲۲ بند صادر شد .

